

تاثیر اقتصاد مقاومتی بر روند امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

جواد شمسی* / علی اکبر جعفری**

چکیده

درهم تنیدگی ابعاد مختلف امنیت در عصر جهانی شدن و منازعات چندوجهی، امنیت کشورها در حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد تهدید قرار می گیرند که سیاستگذاری امنیتی در راستای مدیریت تهدیدات و تقویت بخش های مختلف امنیت، به ویژه امنیت اقتصادی تلاش می کنند. از آنجایی که جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همواره مورد تحریم های اقتصادی، جنگ اقتصادی و فشارهای دیپلماتیک در عرصه روابط تجاری بین المللی بوده است، توجه به ابعاد اقتصادی امنیت برای این کشور بسیار حائز اهمیت است. یکی از سیاست های تاثیرگذار بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، «اقتصاد مقاومتی» می باشد که از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی به مثابه یک استراتژی موثر در برون رفت ایران از چالش های اقتصادی در نظر گرفته شده است. از این رو، مقاله حاضر تلاش دارد با بهره گیری از رویکرد ابعاد امنیتی مکتب کپنهاک به روش تبیینی به این سوال پاسخ دهد که اقتصاد مقاومتی چه تاثیری بر روند امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ یافته های مقاله نشان می دهند؛ اقتصاد مقاومتی باعث ایجاد توان اقتصادی در داخل کشور می شود و این مسئله هم در کاهش ضریب تاثیر تهدیدات خارجی و ترمیم آسیب پذیری های داخلی نقش تعیین کننده ای دارد. در عین حال، اقتصاد مقاومتی در راستای امنیت زایی برای جمهوری اسلامی می تواند از طریق کاهش وابستگی به اقتصاد بین الملل، کاهش جنگ روانی اقتصادی، رهایی از اقتصاد تک محصولی، اشتغال زایی، به تقویت پایه های اقتصادی امنیت ملی ایران کمک نماید.

کلیدواژه ها

امنیت، اقتصاد مقاومتی، جمهوری اسلامی ایران، امنیت اقتصادی، وابستگی اقتصادی.

* کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران

** دانشیار گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران (نویسنده مسئول)

A.jafari@umz.ac.ir

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، مخالفان چه در عرصه داخل و چه خارج، سعی در این داشتند که این نظام نوپا را از پای در آورند. در ابتدا دشمنان انقلاب سعی کردند با شیوه‌های سخت افزاری و نظامی انقلاب را از بین ببرند، حمله عراق به ایران و هشت سال جنگ تحمیلی از مظاهر اینچنین اقداماتی بود. پس از آن، عصر تقابل به فضاهای نرم و هوشمند رسیده است. البته از ابتدا نیز این نوع از جنگ وجود داشته، لیکن شدت و حجم آن گسترش یافته است. حوزه‌ها و فضاهای گوناگون علمی، اقتصادی و سیاسی شاهد این تقابل بوده و هستند. امروزه یکی از مهمترین تهدیدهای پیش‌رو، تحریم‌های اقتصادی است که مستقیماً امنیت ملی را به چالش می‌کشد. مجموع شرایط پیش آمده بر اثر تحریم‌ها باعث شد که عرصه جدیدی برای استمرار و تجلی اقتدار ملی و اقتصادی کشور ترسیم شود. این عرصه که با ظهور مفهومی به نام «اقتصاد مقاومتی» تجلی یافته، بیانگر مجموعه تعاریف، شاخص‌ها و سیاست‌هایی است که اقتصاد ملی را بر اساس شرایط مستحدثه، تدوین و نوعی انعطاف‌پذیری و اقتدار هم‌زمان را برای این حوزه فراهم می‌آورد و راهبردی مناسب و فعالانه در برابر بحرانهای اقتصادی است که می‌تواند در شرایط بحرانی موانع را برطرف کند.

اقتصاد مقاومتی به مثابه یک راهبرد امنیت آفرین نیز در پی مقاوم سازی، بحران زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می‌شود که مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه پیش شرط چنین موضوعی است. طبق مباحث فوق سؤالی که در این رابطه مطرح می‌شود این است که اقتصاد مقاومتی چه تأثیری در روند امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ یا به عبارتی دیگر اقتصاد مقاومتی چگونه می‌تواند عاملی بازدارنده علیه تهدیدات امنیت ملی ایران باشد؟ هدف از انجام این تحقیق برجسته کردن یکی از پارامترهای قدرت، یعنی قدرت اقتصادی است که نقش مهمی در جهان امروزی برای مقابله با تهدیداتی که امنیت ملی را به مخاطره می‌اندازد دارد. همچنین باید اشاره نمود که اگرچه در مورد اقتصاد مقاومتی و اصول، موازین، ویژگی‌ها و راهکارهای دستیابی به آن تحقیقات زیادی صورت گرفته است، ولی در مورد رابطه بین اقتصاد مقاومتی و امنیت ملی نیز در محیط علمی و آکادمیک تحقیقات اندکی صورت گرفته است.

چارچوب نظری

آنچه که به‌عنوان مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی مشهور شده است، از سوی این صاحب‌نظران مطرح نشده است. «مکتب کپنهاگ» اصطلاحی است که در کتاب «هویت و امنیت: بوزان و مکتب کپنهاگ»، مک سوئینی برای آثار و دیدگاه‌های باری بوزان، الی ویور، دو ویلد و برخی دیگر به‌کاربرده است (McSweeney, 1996: 14). از آن‌پس کلیه آثار مشابه با این شیوه تفکر در خصوص مطالعات امنیتی، تحت عنوان مکتب کپنهاگ، مورد توجه صاحب‌نظران و پژوهشگران قرار گرفته است. این مکتب با توجه به این‌که کاملاً بر مطالعات امنیتی استوار گشته، جزو اولین رهیافت‌هایی است که در راستای پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی می‌باشد (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۰). مکتب یادشده، مطالعات امنیتی را که از ویژگی دوران بعد از جنگ سرد است، از حوزه مطالعات راهبردی دوران جنگ سرد تفکیک نموده و آن را ذیل مطالعات روابط بین‌المللی و مطالعات راهبردی را ذیل مطالعات امنیتی قرار داده است. این تلاش بوزان و همکارانش توجه آنان را به خارج نمودن مسائل امنیتی از دایره تنگ نظامی نشان می‌دهد. نظریه‌پردازان این مکتب کتاب‌ها و مقالات بسیاری را برای تشریح دیدگاه‌های خویش تدوین نموده‌اند که کتاب مردم، دولت‌ها و هراس بوزان (۱۳۸۷ ش)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت اثر مشترک بوزان، ویور و دو ویلد (۱۳۸۶ ش) و امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن ویور (۱۳۸۰ ش) از جمله مهم‌ترین این موارد است. در این باره بوث، کتاب مردم، دولت‌ها و هراس بوزان را به‌عنوان جامع‌ترین تحلیل نظری در مورد مفهوم امنیت در ادبیات روابط بین‌الملل می‌داند (Booth, 1991: 317). بوزان بر این باور بود که سطح تحلیل ملی امنیت ملی که رئالیست‌ها مدافع آن می‌باشند، توان در بر گرفتن تمامی عرصه‌ها و مسائل منطقه‌ای را ندارد. انتقاد بوزان نسبت به سطح تحلیل ملی این است که دولت‌محور و همچنین عینیت‌گراست، یعنی از نگاه بوزان دولت تنها بازیگر نیست و چندین سازمان و بازیگر بالاتر و پایین‌تر یا مادون‌ملی و غیر دولتی و بین‌المللی دیگر وجود دارند و از سوی دیگر امنیت ملی از جنبه‌ها و عناصر دیگری تشکیل شده است. بوزان در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» امنیت را به ۵ دسته تقسیم می‌کند و برای اولین بار امنیت اجتماعی را مطرح می‌کند؛ این ابعاد عبارت‌اند از: امنیت نظامی، امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی و امنیت زیست‌محیطی (پوریان، ۱۳۸۹: ۱۶۸). در میان ابعاد مختلف امنیت، بعد

اقتصادی آن در این پژوهش حائز اهمیت می باشد. از این رو، یک سوال مهم مبنی بر این که «امنیت اقتصادی به چه معنا است؟» به وجود می آید.

امنیت اقتصادی چهره جدید و مهم امنیت در دنیای معاصر است که در همه سطوح فردی، اجتماعی و ملی توجه نظریه پردازان حوزه «امنیت» را به خود جلب کرده است. این وجه از امنیت گرچه در تاریخ زندگی اقتصادی بشر همیشه به نوعی وجود داشته، در بستر «جهانی شدن» ابعاد و ویژگی هایی تازه یافته که اهمیت آن را تا رتبه اول میان سایر ابعاد ارتقا داده است. مباحث مرتبط با امنیت اقتصادی از جنبه های مختلف مورد مطالعه اندیشمندان در رشته های اقتصاد، جامعه شناسی اقتصادی و روابط بین الملل قرار گرفته است. (سیف، ۱۳۸۹: ۷) از این رو، امنیت اقتصادی در میان امنیت های دیگر، یکی از پررنگ ترین جلوه های امنیت هر کشور است و نقطه مقابل امنیت اقتصادی، بحران اقتصادی است (جهان بزرگی، ۱۳۸۸، ۱۱). در یکی از تعاریف پیرامون امنیت اقتصادی آمده است؛ امنیت اقتصادی یعنی دسترسی به منابع مالی و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت (زارع زاده، ۱۳۹۲: ۱۲). به تعبیری دیگر، امنیت اقتصادی مجموعه ای از عوامل و ساختارهای اجتماعی است که باعث دلگرمی، آسایش خیال، شوق و ذوق مردم به کار و کوشش و فعالیت و امید به آینده می شود (گرچی و هاشمیان، ۱۳۸۶: ۶۳-۵۶).

امنیت اقتصادی مبتنی بر سلسله ای از اصول و ارزش های اخلاقی است که بدون آنها این هدف مهم اقتصادی اسلام تحقق نمی یابد. وجود خطاها، جرائم و گناهان اخلاقی به نسبت فراوان در رفتارهای اقتصادی افراد، بنگاه های خصوصی، سازمان های دولتی و شبه دولتی، سازمان های مردم نهاد و حتی خیرخواه، مطالعه مبانی اخلاقی امنیت اقتصادی را ضروری می کند. امنیت اقتصادی پایدار، عادلانه و همدلانه در صورتی تحقق می یابد که مجموعه ظرفیت ها و نظارت های درونی افراد، سنت های اخلاقی اسلامی درون جامعه و بازار، قوانین اساسی، تفصیلی و مقررات دولتی و سیاست های اخلاقی استنباط شده عملیاتی شوند. (جهانیان، ۱۳۹۲: ۵) جنبه های اصلی امنیت اقتصادی عبارتند از رشد اقتصادی و توزیع اقتصادی کالاها و خدمات. هدف امنیتی در این رابطه افزایش سلامتی اقتصاد ملی از طریق بهبود نسبی آن در مقایسه با شرایط اقتصاد درگذشته و همین طور بهبود شرایط فعلی آن در مقایسه با دیگر کشورها می باشد. یا بنا به گفته ماندل: «امنیت اقتصادی عبارت است از میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و

هم در بازارهای بین‌الملل» (ماندل، ۱۳۸۷: ۱۰۸). با وجود توضیحات فوق‌الذکر، امنیت اقتصادی ناظر بر وضعیت باثباتی از شرایط و ساختار فعلی و افق معلوم و روشنی از آینده است که در آن فرد، جامعه، سازمان و دولت احساس رهایی از خطر کرده و به‌طور بهینه می‌توانند به تولید، توزیع و مصرف ثروت بپردازند. به‌عبارت دیگر یک جامعه را زمانی می‌توان از لحاظ اقتصادی ایمن دانست که ثبات در آن جامعه وجود داشته و خانوارها و بنگاه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین نهادهای اقتصاد و بازار بتوانند در محیط رقابتی سالم و با میزان اطلاعات یکسان به بهینه‌سازی رفتار خود بپردازند. (برومند و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۵)

آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص امنیت اقتصادی اذعان می‌دارند؛ «درباره‌ی امنیت اقتصادی در این کشور، اعتقاد راسخ داریم که باید طوری باشد که در این کشور، کار اقتصادی، حرکت اقتصادی، تلاش اقتصادی، رونق اقتصادی و سازندگی اقتصادی از هر نوع امکان‌پذیر باشد و کسانی که اراده‌ی این کار را دارند، با امنیت بتوانند این کار را انجام دهند... این نکته را بگوییم: مبدا کسی خیال کند که ایجاد امنیت اقتصادی، یعنی باز گذاشتن راه برای مفتخوره‌های اقتصادی، سوءاستفاده‌چیهای اقتصادی و زالوهای اقتصادی! امنیت اقتصادی، به معنای این نیست که قوانین و مقررات سالم کشور، ندیده گرفته شود. امنیت اقتصادی یعنی این‌که انسانها و آحاد مردم این کشور، از هر قشری، بخواهند کار اقتصادی بکنند چه کار صنعتی، چه کار کشاورزی، چه سرمایه‌گذاری، چه تجارت- بدانند که کسی مزاحم آنها نخواهد شد؛ اما این معنایش آن نیست که آن کسانی که چه در دوران جنگ و چه در دوران سازندگی، توانستند از پیچ و خمهای اقتصادی استفاده‌های نامشروع بکنند و ثروتهای نامشروع به وجود آورند، این امکان را داشته باشند که بتوانند چنین حرکت نامشروعی را به عنوان امنیت اقتصادی انجام دهند. معنای امنیت اقتصادی، هرهری مسلک بودن در مسأله‌ی اقتصاد نیست؛ معنایش میدان دادن به زرنگها و سوءاستفاده‌چیها و کسانی که منتظرند از هر فرصتی برای پر کردن کیسه‌ی خود از راه نامشروع -نه راه مشروع- بهره ببرند، نیست؛ این را توجه داشته باشند. هر نوع سرمایه‌گذاری‌ای که قانون آن را اجازه دهد، بایستی امنیت داشته باشد. تصور هم نشود که تا به‌حال ناامنی اقتصادی از ناحیه‌ی مسؤولان کشور یا بخشهای قانونی کشور بوده است؛ نخیر، ناامنی اقتصادی هم بیشتر از قبل آدمهای سوءاستفاده‌چی بوده است. هر جا که یک سوءاستفاده‌چی هست، یک نوع اختلال در کارها هست و یک طور ناامنی هم وجود دارد.

بنابراین، امنیت اقتصادی هم مسأله‌ی مهمی است و ما هم به آن اعتقاد داریم.» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۰۶/۱۰)

اسلام با اصالت دادن به اقتصاد مهم‌ترین روش‌ها و عناصر دستیابی به مشکلات اقتصادی را در آموزه‌هایش مطرح ساخته است و عامل اصلی امنیت اقتصادی در جامعه اسلامی را در گرو پای‌بندی به یک نظام مالی متعادل و اجرای عدل و قسط معرفی می‌کند. تحقق این امر با اجرای صحیح سازوکارهای اقتصادی در زمینه برقراری توازن اقتصادی، تکافل اجتماعی، کنترل بازار، هدایت کارگزاران، ارائه الگوی صحیح مصرف و گردش متعادل اموال و دارایی‌ها در جهت یکسان‌سازی سطح زندگی افراد جامعه، به ثمر می‌نشیند. (فلاح، ۱۳۹۲: ۱) بنابراین، امنیت اقتصادی که لازمه ایجاد رشد اقتصادی و توسعه در کشور است، نیازمند رصد و کنترل مداوم است تا سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان ملی بتوانند تصور درست و به‌هنگامی از شرایط کشور داشته باشند. در مجموع هفت مقوله بر ایجاد امنیت اقتصادی در کشور موثرند که عبارتند از: بخش پولی، بخش تامین کالای اساسی، تجارت خارجی، خط مشی بازار، عملکرد اقتصادی، نیروی انسانی، و شرایط مساعد محیط اقتصادی. (رشیدی و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۵) با این اوصاف، توسعه و پیشرفت اقتصادی و عمران و آبادانی سرزمین، نیازمند ایجاد و ارتقاء امنیت اقتصادی است و در نقطه مقابل آن، امنیت اقتصادی نیز حاصل شناخت عوامل و موانع، تهدیدها، روش تحصیل و راهکارها و آثار آن است. (خسروی و لک زایی، ۱۳۹۵: ۱۰۷) پنج راهبرد بازتولید امنیت اقتصادی در سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی ایران به شرح زیر می‌باشد؛

- حمایت از ایجاد ارزش افزوده و سرمایه‌گذاری و کارآفرینی از راههای قانونی و مشروع.
- هدف از امنیت سرمایه‌گذاری، ایجاد رفاه عمومی و رونق اقتصادی و زمینه‌سازی برای عدالت اقتصادی و از بین بردن فقر در کشور است. وضع قوانین و مقررات مربوط به مالیات و دیگر اموری که به آن هدف کمک می‌کند، وظیفه‌ی الزامی دولت و مجلس است.
- قوانین و سیاست‌های اجرایی و مقررات باید دارای سازگاری و ثبات و شفافیت و هماهنگی باشند.
- نظارت و رسیدگی و قضاوت در مورد جرایم و مسائل اقتصادی باید دقیق و روشن و تخصصی باشد.

- شرایط فعالیت اقتصادی (دسترسی به اطلاعات، مشارکت آزادانه‌ی اشخاص در فعالیتهای اقتصادی و برخورداری از امتیازات قانونی) برای بخشهای دولتی، تعاونی و خصوصی، در شرایط عادی باید یکسان و عادلانه باشد. (سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی، ۱۳۷۹: ۱)

مفهوم شناسی اقتصاد مقاومتی

بعد از مطرح شدن نظریه اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران، محافل علمی و آکادمیک در خصوص نظریه پردازی و مفهوم پردازی پیرامون آن به تکاپو درآمده و پژوهشگران براساس برداشت‌های خویش به تبیین این مفهوم اقتصادی پرداختند به گونه‌ای که تاکنون برداشت‌های متفاوتی از اقتصاد مقاومتی ارائه شده است. (قربی، ۱۳۹۵: ۱۰۳) اتخاذ تدابیر و راهبردهای اقتصادی متناسب با شرایط و مقتضیات فرهنگی، بومی و نیازهای عمومی جامعه برای پیشبرد نظام سیاسی به سوی تعالی در ساحت‌های مادی و معنوی امری بایسته است که با توجه به ارزش‌های حاکم بر اقتصاد اسلامی، ضرورت آن دوجندان می‌گردد. در این میان، جمهوری اسلامی ایران برای برون رفت از آسیب‌ها و چالش‌های درونی از یک سو و رفع تهدیدات بیرونی نظیر تکانه‌های اقتصادی بین‌المللی، تحریم‌ها و بحران‌های اقتصادی جهانی از سوی دیگر در دهه چهارم انقلاب اسلامی، به سمت و سوی تبیین، طراحی و عملیاتی‌سازی اقتصاد مقاومتی گام نهاده است. راهبرد اقتصاد مقاومتی برآمده از ارزش‌های حاکم بر اقتصاد اسلامی می‌باشد که ناظر بر چگونگی رفع ناملایمات و معضلات درونی و بیرونی اقتصاد ملی است و به همین دلیل، اقتصاد مقاومتی صرفاً یک تدبیر اقتصادی کوتاه مدت و برای رفع تهدیدات اقتصادی نیست بلکه یک استراتژی بلند مدت می‌باشد که برای هر شرایطی لازم است و بعد از رفع تحریم‌های اقتصادی، همچنان کارآمد و برطرف کننده چالش‌های اقتصادی درونی و ملی خواهد بود. (حیدری و قربی، ۱۳۹۵: ۳۷) اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم‌سازی، بحران‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می‌شود که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش‌شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است. اقتصاد مقاومتی در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته قرار می‌گیرد. اقتصاد مقاومتی نمی‌پذیرد که صرفاً مصرف‌کننده باشد، منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصاد سلطه ایستادگی می‌کند. اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی

بسته نمی‌باشد و چنین دیدی نسبت به اقتصاد مقاومتی رشد آفرین نیست. منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته چنانکه مقاومت برای دفع موانع پیشرفت و کوشش در مسیر حرکت و پیشرفت تعریف می‌شود. مهمترین سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا به دستگاه‌های مختلف ابلاغ شد، بدین شرح می‌باشد:

الف. تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط. باید توجه داشت که این اقتصاد درون‌زا است؛ یعنی از دل ظرفیت‌های کشور و مردم می‌جوشد. رشد این نهال به امکانات کشور متکی است. اما اقتصاد مقاومتی درون‌گرا نیست؛ یعنی اقتصاد کشور محدود و محصور به قابلیت‌های داخل کشور نمی‌شود. این اقتصاد با اقتصاد جهانی تعامل دارد و با قدرت با آنها روبرو می‌شود، پس اقتصاد مقاومتی درون‌زا است ولی درون‌گرا نیست (حسنی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲۶). اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای خوداتکایی است. در این مسیر توانمند کردن بخش خصوصی و حمایت از تولید ملی بسیار مهم می‌باشد (خلیلی، ۱۳۹۱: ۲۴). مزایای بسیاری در حمایت از تولید داخلی نهفته است که از جمله آنها می‌توان به ایجاد اشتغال برای نیروی کار داخلی، کمتر شدن فشار تورمی، توجه به نمادهای داخلی در صنایع مختلف، تقویت بخش خصوصی، کاستن از بار مالی دولت، ارزآوری کلاه‌های غیر نفتی و بسیاری از موارد دیگر اشاره کرد (عربی، ۱۳۹۲: ۱۳).

ب. پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه. اقتصاد دانش‌بنیان اقتصادی است که بر اساس تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکل گرفته و سرمایه‌گذاری در دانش و صنایع دانش پایه مورد توجه قرار می‌گیرند. اقتصاد دانش‌بنیان

اقتصادی است که در آن تولید و کاربرد دانش، عامل و محرک رشد اقتصادی، تولید ثروت و اشتغال در تمام صنایع است (میرمعزی، ۱۳۹۱: ۶۵).

پ. محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استانها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور. اقتصاد مقاومتی به دنبال تقویت توانایی‌های جامعه، گروه‌های اجتماعی و نهادها برای مقاومت یا مواجهه بهتر با شوک‌ها و فشارهای مختلف است (اخباری و قلی‌زاده، ۱۳۹۴: ۵۷).

ت. استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی.

ث. افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (بویژه در اقلام وارداتی)، و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.

ج. مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید.

چ. اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.

ح. مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز (لامعی و استاد حسین، ۱۳۸۰:

۲).

اقتصاد مقاومتی در محیط ملی و بین‌المللی مبتنی بر هندسه عزت، حکمت و مصلحت می‌باشد؛ به این معنا که علاوه بر توجه به این سه راهبرد در سیاست خارجی توسعه‌گرا و دیپلماسی اقتصادی در نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل، در بستر داخل کشور هم به این سه مؤلفه توجه می‌شود. این مؤلفه‌ها در فرایند اقتصاد مقاومتی ناظر بر ویژگی‌های کاربردی نظیر برنامه ریزی، تدبیر، اقدام و عمل‌دوراندیشانه، حفظ کرامت انسانی، استقامت و پایداری، توجه به مصالح عمومی و منافع ملت، خوداتکایی و... می‌باشد. توجه به مؤلفه‌های فوق‌الذکر، اقتصاد کشور را مستحکم و امنیت ملی را بر پا خواهد داشت و در نقطه مقابل، بی‌توجهی به هندسه عزت، حکمت و مصلحت در اقتصاد اسلامی می‌تواند بی‌ثباتی، ناامنی، وابستگی، شکنندگی و رکود در عرصه اقتصادی را به همراه داشته باشد و نظام اقتصادی در حکومت اسلامی را با شکنندگی عجین سازد. (قربی، ۱۳۹۶: ۶) بنابراین، در چارچوب اقتصاد مقاومتی، توجه به

سیاست های حمایتی اقتصادی، استقلال، نفوذ ناپذیری، تطابق با معیار های بومی و فرهنگی کشور و انعطاف پذیری در اقتصاد باید مورد توجه قرار گیرد. لذا تعامل سازنده بین بخش های مختلف اقتصادی بر مبنای شناسایی فشارها و تکانه های داخلی و خارجی و در راستای بهره گیری از تعامل متقابل بین ارکان اقتصادی شکل می گیرد. (نظرپور و دیگران، ۱۳۹۶: ۵۷)

رهبران انقلاب اسلامی همواره بر چالش های فرهنگی و درونی اقتصاد توجه دارند و این گونه توضیح می دهند که رفع آسیب های داخلی اقتصاد ملی، کشور را در برابر تهدیدات اقتصادی بیرونی نظیر تحریم، تکانه های اقتصادی جهانی و... مستحکم می سازد. از این رو، رویکرد اقتصاد مقاومتی، استحکام ساخت درونی اقتصاد ملی در مرحله اول می باشد و بعد از تقویت پایه های درونی اقتصادی، به سمت و سوی رفع تهدیدات بیرونی اقتصاد گام بر می دارد. اما در نظریه اقتصاد تاب آور و فنریت اقتصادی، بیشتر بر تهدیدات بیرونی اشاره می شود و کمتر بر استحکام درونی اقتصاد اشاره می شود. در گفتمان انقلاب اسلامی، استحکام داخلی اقتصاد بر اساس اهمیت دادن به خودکفایی، استقلال اقتصادی، رونق تولید ملی، برپایی عدالت اقتصادی و... حائز اهمیت می باشد. (قربی، ۱۳۹۶: ۸) از مهمترین ویژگیهای ذکر شده برای اقتصاد مقاومتی، تاب آور بودن اقتصاد است. بر این اساس تاب آوری اقتصادی را می توان «ظرفیت یا توانایی اقتصاد در دستیابی به اهداف مطلوب در مواجهه با ناطمینانی های سیستمی موجود» تعریف کرد. آمادگی جهت مواجهه، مقاومت در برابر اثرات منفی، بازیابی سریع پس از تکانه و سازگاری (تطبیق) با شرایط جدید ابعاد تاب آوری اقتصادی می باشند. (محمدی، ۱۳۹۶: ۴)

در نهایت، اقتصاد مقاومتی را باید اقتصادی مبتنی بر استحکام ساخت درونی و بیرونی اقتصاد ملی جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفت که مترصد برون رفت از چالش های اقتصادی درونی و تهدیدات اقتصادی بیرونی می باشد و تمرکز اصلی آن بر منابع و سرمایه های ملی نظیر ظرفیت های جغرافیایی، بسترهای فرهنگ اقتصادی، نیروی انسانی و... است و تلاش دارد تا سطح وابستگی اقتصادی را نسبت به کشورهای خارجی کاهش دهد و تلاش دارد از طریق استقلال و خودکفایی اقتصادی، عزت سیاسی و امنیت ملی ایران را افزایش دهد.

تأثیر اقتصاد مقاومتی بر ابعاد امنیت اقتصادی

– اقتصاد مقاومتی و استقامت در برابر تحریم اقتصادی

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نظامی به حاکمیت رسید که وجه مشخصه آن مقابله بانظم موجود بین‌المللی بود. به همین دلیل در اصطلاح‌شناسی روابط بین‌الملل، ایران پس از انقلاب به‌عنوان دولت تجدیدنظرطلب در نظر گرفته می‌شود: (Mohammad nia, 2010). (160) این دولت تجدیدنظرطلب منافع ایالات‌متحده آمریکا را در منطقه مستقیماً به چالش کشید. نگاهی به تاریخ جمهوری اسلامی ایران بیانگر آن است که سطح روابط بین ایران و ایالات‌متحده به‌واسطه ماهیت حاکم بر فرهنگ سیاسی و ایدئولوژی اسلامی انقلاب ایران، از دشمنی شدید تا انزجار دیپلماتیک در نوسان بوده است. طی این سال‌ها ایالات‌متحده از حرب‌های گوناگون و بهانه‌های مختلف برای تغییر رژیم و یا مقابله با سیاست‌ها و رویکردهای نظام اسلامی بهره گرفته است. یکی از این راهبردها اعمال تحریم‌های اقتصادی به‌صورت یک‌جانبه است. در طول سال‌های بعد از انقلاب، همواره تحریم‌های اقتصادی یکی از راهبردهای آمریکا در مقابله با سیاست‌های و رویکردهای جمهوری اسلامی ایران بوده است. در این راستا، اعمال تحریم‌ها از نوامبر ۱۹۷۹ پس از تصرف سفارت آمریکا در تهران آغاز شد (Jentleson. 2007: 8). تقریباً تمام تحریم‌ها علیه ایران پس از انقلاب اسلامی از جانب آمریکا بوده و یا با تحریک آمریکا شکل گرفته است. در سال‌های اخیر به بهانه غنی‌سازی اورانیوم و جریان انرژی هسته‌ای، آمریکا توانست متحدانی در بین سایر کشورهای اروپایی برای تحریم‌های مالی و تجاری علیه ایران پیدا کند و شدت تحریم‌های گذشته را نیز افزایش دهد (فدایی و درخشان، ۱۳۹۳: ۱۱۴). با توجه به این تحریم‌ها، به نظر می‌رسد نظام اقتصادی ایران به تدریج به‌صورت اقتصادی بر پایه تحریم شکل گرفته است؛ یعنی نظام اقتصادی به‌مثابه یک ارگانسیم توانسته خود را مطابق با شرایط سخت تحریم ساماندهی کرده و همگام با تحریم‌ها پیش رود؛ اما بی‌شک اعمال تحریم‌ها بر اقتصاد متکی بر درآمدهای نفتی ایران به‌ویژه در بخش‌های انرژی و صنعت نفت صدمه‌های جبران‌ناپذیر وارد کرده است. نخستین عارضه تحریم اقتصادی کمبود و گرانی بی‌سابقه است که برخی نتایج آن را می‌توان در افزایش قیمت بنزین دید. البته در این میان کالاهای وارداتی سرمایه‌ای که از نیازهای اولیه و ضروری کشور می‌باشند، به‌شدت تحت تأثیر تحریم‌ها می‌باشند. همچنین ایران برای تأمین واردات ضروری خود، به‌ویژه فناوری، مجبور می‌شود با مراجعه به بازار سیاه، آن‌ها را با قیمت‌های بالاتری تهیه کند که این اقدام فشار مالی

زیادی را بر دولت و جامعه تحمیل می‌کند. در بخش صنعت، صنایع مادر و صنایعی که عمدتاً تکنولوژی و عوامل تولید خود را از سایر کشورها تأمین می‌نمایند و همچنین صنایعی که به دیگر کشورها به چشم بازار مقصد می‌نگرند، بیشترین آسیب را از تحریم‌های بین‌المللی می‌بینند. بخش بازرگانی خارجی نیز بی‌تأثیر نیست، چراکه تولیدات صادراتی علاوه بر گران‌تر شدن مواد اولیه موردنیاز برای تولید، امکان فروش در بازارهای خارجی را مانند گذشته ندارند. در شرایط تحریمی قاچاق و شبه قاچاق به‌عنوان میکروبهایی که در محیط آلوده امکان رشد می‌یابند، افزایش یافته است. همچنین سایر مفاسد و جرائم اقتصادی مانند فرار مالیاتی، احتکار و خروج ارز نیز رشد یافته است. همچنین با کاهش درآمدهای حاصل از فروش نفت، پشتوانه ارزی به‌شدت کاهش یافته، زیرا عرضه ارز خارجی محدود شده است و برای آن بازار سیاه راه افتاده است. همچنین اعمال مجازات‌های مالی نظیر بلوکه کردن حساب‌های مالی و مسدود کردن تضمین‌های ارزی بانک مرکزی، به عبارتی فلج کردن مبادلات مالی کشور در جهان، به‌نوعی توقف کلیه مبادلات بازرگانی دولت است (دوست محمدیان، ۱۳۸۸: ۳۱).

صدمه‌های اقتصادی ایران ناشی از این است که نظام اقتصادی ایران همواره از فقدان الگو و راهبردی مشخص برای مدیریت اقتصاد و مقابله با چالش‌ها و بحران‌های ناشی از تحریم‌ها رنج می‌برد. اساساً کشورهای دچار تحریم عموماً به سیاست‌های خوداتکایی و خودکفایی درون‌زا نیاز دارند (سمیعی نسب، ۱۳۹۳: ۱۱۷). با توجه به اینکه ایران از موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و نقاط قوت اقتصادی فراوان و متعددی برخوردار است، در شرایطی تحریم با به‌کارگیری صحیح ظرفیت‌های خود می‌تواند در راستای مقابله با پیامدهای تحریم و حتی تأمین منافع ملی گام بردارد. ولی رسیدن به منافع ملی در این شرایط نیازمند عملیاتی کردن راهبردهای اقتصاد مقاومتی مانند طراحی و تدوین دیپلماسی انرژی فعال و کارآمد در سیاست خارجی، استفاده از مزیت‌های ترانزیتی و انتقال انرژی از خاک ایران و گام برداشتن در پرتو فرصت‌هایی که در شرایط رویارویی با تحریم‌های اقتصادی به دست می‌آیند، از قبیل فرصت کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های ناشی از کاهش ارزش پول ملی، اتخاذ سیاست منطقه‌گرایی فعال و گسترش تعامل و همکاری با دیگر کشورهای جهان می‌باشد (مسعود نیا و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۴-۴۵). با عملکرد مناسب، می‌توان تأثیر تحریم‌ها بر بدنه اقتصادی کشور را کاهش داده و نارضایتی را کاهش داد. با توجه به این مسئله، باید این تهدیدها را به فرصت تبدیل کرده و راه توسعه را هموارتر سازد. (مکیان و زنگی آبادی، ۱۳۹۵: ۴۱؛ حسنی و

نصر، ۱۳۹۳: ۱۷۱-۱۶۳) نقش‌پذیری اقتصاد مقاومتی در راستای مدیریت تحریم از عواملی نظیر؛ اعتمادسازی، آگاهی، مشارکت مدنی و شبکه‌سازی به‌عنوان ابعاد سرمایه اجتماعی برای گسترش صنایع کوچک، خانوادگی، روستایی و تبدیلی تشکیل می‌شود که ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی به‌منظور جلب مشارکت مردم به‌کار گرفته شده و در این زمینه فرهنگ‌سازی می‌شود. (نمامیان و میر، ۱۳۹۶: ۴۵)

از تحریم‌های اقتصادی می‌توان در راستای تقویت اقتصاد ملی از طریق نوآوری اجتماع و افزایش تولید ملی بهره‌جست. میزان موفق بودن راهبردهای مقابله با تحریم و بی‌اثرسازی آن به درجه بلوغ یک نظام ملی نوآور بستگی دارد. اگر بهره‌برداری از منابع و امکانات داخلی مقرون‌به‌صرفه‌تر از منابع و روابط تحریمی باشد، می‌توان از این مسئله در راستای رشد داخلی بهره‌برد. در این میان یکی از راهبردهای نظام جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی حاصل از آن اقتصاد مقاومتی است که می‌تواند زمینه‌های پیشرفت و ترقی آن را فراهم آورد.

– تاکید دکترین اقتصاد مقاومتی بر کاهش وابستگی‌های اقتصادی

اقتصاد مقاومتی درون‌زا با نگاه به بیرون است؛ یعنی آن‌طور نیست که برای اعمال آن، مرزهای خود را به جهان خارج بسته و فقط به منابع داخل بسنده کنیم. مفهوم اقتصاد مقاومتی این است که از منابع داخلی استفاده بهینه و حداکثری صورت گرفته و تمام ظرفیت‌های موجود مورد بهره‌برداری قرار بگیرند، هم‌زمان باید در عرصه اقتصاد و تجارت خارجی فعالانه مشارکت صورت گرفته تا از ظرفیت‌های خارج از مرزها نیز استفاده حداکثری صورت پذیرد. به همین دلیل برای نیل به استقلال اقتصادی نگاه هم‌زمان به داخل و خارج از مرزهای کشور صورت می‌پذیرد. در همه زمان‌ها و شرایط مختلف بین‌المللی، ملت‌های ضعیف همواره به سمت نابودی سوق داده شده‌اند و انقلاب و استقلال آن‌ها از میان رفته است. البته امروز نیز همین معادله برقرار است؛ بنابراین لازم است هر ملتی خود را در برابر تجاوز نیرومند سازد تا از تعرض و تجاوز به حقوقش در امان بماند. به‌عبارت‌دیگر، قدرت از لوازم و ابزارهای ضروری برای رسیدن به هدف‌های امنیتی هر انقلاب و هر حکومت انقلابی است، به‌گونه‌ای که اگر ملتی بخواهد سرنوشت خویش را به دست گیرد و به موجودیت انقلابی‌اش ادامه دهد، باید قدرتمند باشد، زیرا در غیر این صورت امنیت و موجودیت آن در معرض تهدید و نابودی قرار می‌گیرد. گاه اگرچه به نظر می‌رسد که می‌توان بر تأثیر بیشتر یک یا چند مؤلفه در قدرت و حفظ انقلاب تأکید

بیشتری کرد، اما واقعیت این است که قدرت تسلیحات به همان اندازه مهم است که مواد خام موردنیاز در ساختن تسلیحات اهمیت دارد و یا تعامل خارجی و دیپلماسی به همان اندازه مهم است که سیاست ارزی و پولی اهمیت دارد (جهان بزرگی، ۱۳۸۸: ۴). دستیابی به توسعه اقتصادی، لازمه استقلال اقتصادی و قطع نیاز از بیگانگان است و این امر زمانی میسر می‌شود که به نقش محوری توسعه بر اساس استفاده از منابع طبیعی و پتانسیل‌های اقتصادی کشور اهمیت داده شود.

هدف اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها، تأکید بر مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است. همچنین اثبات کارآمدی نظام اقتصادی کشور بین نظام‌های اقتصادی دنیا، اقتصاد قوی و پایدار، استقلال سیاسی، اقتدار بین‌المللی و بقای کشور، مرجعیت بین‌المللی، تحقق و اعتلای عزت اسلامی، عدالت اجتماعی، برون‌رفت از چرخه معیوب خام‌فروشی و ایجاد چرخه‌های ارزش‌افزا در اقتصاد، تبدیل دانایی به دارایی، ایجاد چرخه تبدیل سرمایه‌های مشهود و نامشهود، تبدیل وابستگی‌های تهدیدزا به مبادلات متقارن و وابستگی‌های دوسویه مزیت‌آفرین، ایجاد هم‌پیوندی و مزیت‌های مبادلاتی پایدار با کشورهایی که زیر نفوذ مستقیم دشمن نیستند، توان‌افزایی محرومان و اقشار ناتوان از طریق کارآمد سازی نظام تأمین اجتماعی، افزایش ظرفیت مالیاتی کشور و قطع وابستگی بودجه عمومی دولت به نفت، هم‌تکاملی صنایع راهبردی و اقتصادی سازی برنامه‌های توسعه فناوری (فرزندی اردکانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۶). در این مسیر در طول سال‌های گذشته، در حوزه‌هایی مانند بهداشت و سلامت، بهبود تغذیه، توسعه خدمات شهری، بهبود زندگی معیشتی مردم، توسعه آموزش عالی، رشد فراگیر علم و ارتقای جایگاه جهانی کشور در کسب علم، شکل‌گیری قابلیت‌های صنعتی و پیمان‌کاری، مشارکت گسترده مردم در انتخابات و حضور دولت در مناطق محروم پیشرفت‌های درخور توجهی داشته‌ایم؛ اما در کنار همه این موارد، روندها و علائم گوناگونی وجود دارد که ضرورت پرداختن به موضوع اقتصاد مقاومتی را نشان می‌دهد. برخی از این روندها عبارت‌اند از: تورم و بیکاری، روند افزایش هزینه‌های آشکار و پنهان دولت، ناتوانی در اخذ مالیات بر درآمد، وابستگی بودجه دولتی به درآمدهای نفتی، روند افزایش واردات متکی به دلارهای نفتی در اغلب زمینه‌ها اعم از سرمایه‌ای، مصرفی و واسطه‌ای، وجود شکاف بین دانشگاه و صنعت، روند مهاجرت نخبگان به دلیل فقدان زمینه کسب‌وکار دانش‌بنیان در کشور، ناتوانی نهادهای میانجی در تبدیل نیازهای جامعه به کسب‌وکار دانش‌بنیان، نبود توازن بین هزینه‌ها و درآمدهای

شهرداری و ناتوانی در اخذ عوارض، افزایش میزان ائتلاف انرژی و ضایعات مواد غذایی به‌ویژه نان و آب، تخریب منابع زیست‌محیطی و افزایش چشمگیر آلاینده‌ها، تورم متأثر از رشد نقدینگی سرگردان در جامعه، رقابت ناپذیری برندهای ملی، عقب‌ماندگی پروژه‌های نفتی و گازی و نبود پیمانکاران توانمند داخلی، روند فزاینده انتظارات اقتصادی و اجتماعی مردم از دولت بدون پذیرش هزینه، نرخ کم بهره‌وری نیروی کار و کیفیت نسبتاً کم محصولات داخلی (فرزندی اردکانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۴). در این میان برخی از موارد مانند مسئله نفت از آن جهت که اقتصاد ایران تا حدود زیادی به آن متکی است اهمیتی دوچندان دارند. اقتصاد مقاومتی در نظر دارد از اتکای به درآمدهای نفتی بکاهد و منابع داخلی دیگر را جایگزین آن کند.

– اقتصاد مقاومتی و رهایی از تک محصولی بودن اقتصاد ایران

دولت‌ها برای انجام مأموریت‌ها و مسئولیت‌های اقتصادی و غیراقتصادی خود به منابع مالی نیازمند هستند. این منابع مالی از محل درآمدهای مالیاتی و همچنین درآمدهای غیر مالیاتی تأمین می‌شود. درآمدهای غیر مالیاتی وجوهی هستند که دولت معمولاً از طریق فعالیت‌های اقتصادی خود به دست می‌آورد. ویژگی اصلی این منابع درآمدی، نامنظم و نامطمئن بودن آنهاست؛ بنابراین به هر میزان که سهم این نوع از درآمدها در کل درآمدهای دولت بیشتر باشد، ممکن است آثار بیشتری در قالب کسری‌های مداوم بودجه و عوارض بعدی آن در اقتصاد بروز کند. بررسی ساختار اقتصاد کشور بیانگر این واقعیت است که درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز، از جمله اقلام عمده تشکیل‌دهنده درآمد دولت‌ها در سال‌های پس از انقلاب بوده است. اتکای بیش‌ازحد به درآمدهای نفتی به‌عنوان درآمدهای غیر مالیاتی و نوسان شدید بهای نفت در بازارهای جهانی، بی‌ثباتی کل درآمد دولت‌ها را طی دهه‌های گذشته در اقتصاد ایران به همراه داشته است. از سوی دیگر به دلیل پایین بودن سهم درآمدهای مالیاتی در تأمین مخارج دولت و همچنین ناکافی بودن و بی‌ثباتی درآمدهای غیر مالیاتی، بودجه دولت در سال‌های مختلف، با کسری مواجه شده است. کسری بودجه در بلندمدت و استقراض از بانک مرکزی جهت تأمین آن و همچنین تزریق درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت به اقتصاد کشور، خود باعث تشدید تورم در اقتصاد ایران شده که این موضوع سرمنشأ پیدایش مشکلات دیگری در بخش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور شده است. اهمیت و جایگاه این موضوع باعث شده است تا ضرورت کاهش وابستگی دولت به درآمدهای نفتی در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز مورد تأکید قرار گیرد؛ بدان معنا که یکی از زمینه‌های لازم برای مقاوم

سازی اقتصاد کشور، حرکت در راستای کاهش و یا حذف وابستگی به درآمدهای نفتی است. (رحیمی نسب، ۱۳۹۵: ۳۴) هدف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ایجاد بستر مناسب برای حرکت اقتصاد ایران در مسیر رشد پایدار است. برنامه ریزی بر مبنای اقتصاد مقاومتی، ایجاب می‌کند با هرگونه عوامل برهم زننده رشد پایدار برخورد شود و راهبردهای برنامه به گونه‌ای انتخاب شود که خطرپذیری‌ها و نااطمینانی‌های تحقق اهداف آن به حداقل برسد. بررسی عملکرد اقتصاد ایران نشان می‌دهد که علاوه بر پایین بودن معدل عملکرد متغیرهای کلیدی، اقتصاد ایران از نوسانات بالایی نیز برخوردار است. ریشه عملکرد پایین و نوسانی بودن آن به دو عامل اصلی یعنی سیاست‌های اقتصادی نامناسب و تکانه‌های ناشی از تحریم‌های خارجی برمی‌گردد. وجه مشترک این دو عامل، ریشه در چگونگی استفاده از منابع نفتی دارد. وابستگی درآمد دولت و درآمد ارزی کشور به درآمد نفت مشکل اصلی کشور می‌باشد و تا موقعی که راه حلی برای آن پیدا نشود، ناپایداری در اقتصاد ایران تداوم خواهد یافت. همانطوری که دیده می‌شود همه این مشکلات به چگونگی استفاده از نفت بر می‌گردد. برای حل مشکل اقتصاد ایران، بایستی کاملاً حساب شده عمل کرد، حتی اگر مسیر حرکت سخت و ناهموار باشد. اگر اقتصاد ایران بتواند همانند اندونزی، نفت تولیدی خود را در صنعت داخلی جذب نماید، در این صورت می‌تواند بخش مهمی از مشکلات کنونی خود را مرتفع نماید. پس از بررسی‌ها و مطالعات انجام شده در اقتصاد ایران در سال‌های اخیر و نیز چشم‌انداز جهانی نفت، نتایج مطالعه نشان می‌دهد جهت‌گیری برنامه ششم باید زمینه‌سازی برای جذب صنعت نفت در اقتصاد ایران باشد و خام‌فروشی نفت به فراموشی سپرده شود و بجای خام‌فروشی، با بکارگیری نفت در حمل و نقل، صنعت بویژه پتروشیمی، مصارف خانگی و تجاری و تولید برق بهره‌برداری از طریق صادرات خودرو، پتروشیمی یا برق درآمدزایی کرد و بدین ترتیب ارزش افزوده ایجاد کرد. باید اصلاحات مرحله‌ای را در ابتدا از کاهش وابستگی بودجه جاری دولت به نفت آغاز کرد و سپس مرحله به مرحله جذب نفت را در صنعت داخلی افزایش داد. همچنین ساختار درآمدی دولت را هم از حیث افزایش مقدار و هم کاهش نوسانات، ارتقاء داد و بنگاه‌های اقتصادی را به سمت ارتقای تولید هدایت کرد. ساختار درآمدی دولت را بایستی هم از حیث افزایش مقدار و هم کاهش نوسانات، ارتقاء داد و بنگاه‌های اقتصادی را به سمت ارتقای تولید هدایت کرد. (دانش جعفری و کریمی، ۱۳۹۳: ۳۴-۳۱)

از این رو، باید اذعان کرد که نفت پر قدرت‌ترین موتور محرکه اقتصادی محسوب می‌شود. در کشور ما وابستگی بسیاری از شاخص‌های کلان اقتصادی نظیر رشد اقتصادی، تورم و بیکاری به افزایش یا کاهش درآمدهای نفتی از سمت عرضه و تقاضا در مطالعات بسیاری اثبات شده است و این در حالی بوده است که به‌جای آنکه نگاه سرمایه‌ای به آن داشته باشیم و از این مزیت نسبی در سرمایه‌گذاری استفاده شود، نگاه هزینه‌ای به آن داشته‌ایم. وجه مشخصه اقتصاد ایران طی پنجاه سال اخیر وابستگی شدید آن به درآمدهای ارزی و ریالی ناشی از صادرات نفت خام است. این ویژگی موجب شده است که اقتصاد کشور به شدت از نوسان‌ها و تغییرات قیمت نفت خام در بازارهای جهانی متأثر شود و در نتیجه هرگونه برنامه‌ریزی اقتصادی را با بی‌ثباتی مواجه کند. چنین درجه‌ای از وابستگی و به طبع آثار منفی ناشی از آن موجب شده که همواره یکی از دغدغه‌های تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان اقتصادی طراحی سیاست‌هایی در چارچوب برنامه‌های اقتصادی برای رهایی از وابستگی به نفت باشد. مجموعه چنین سیاست‌هایی عموماً تحت عنوان اقتصاد بدون نفت، مطرح می‌شود. در نگاهی کلی، هر برنامه اقتصاد بدون نفت معمولاً دو هدف اصلی را تعقیب می‌کند که یکی افزایش تولید و دیگری افزایش صادرات است. سیاست‌های لازم برای رسیدن به این دو هدف عموماً ناظر بر ایجاد و گسترش بسترهای لازم به‌منظور استفاده بهینه از امکانات و توانایی‌های موجود کشور است. به نظر می‌رسد برای تحقق اهداف اقتصاد بدون نفت و اتخاذ سیاست‌های سازگار با این اهداف و شرایط اقتصادی کشور، در گام اول ضروری است قابلیت‌های بخش‌های مختلف تولیدی کشور شناخته شود. (لامعی و استاد حسین، ۱۳۸۰: ۲).

تجربه بسیاری از کشورهای با منابع طبیعی غنی، مانند کشورهای نفتی، رشد اقتصادی ضعیفی را نشان می‌دهد. این امر بیانگر آن است که بین وفور منابع طبیعی و رشد اقتصادی رابطه‌ای معکوس وجود دارد که در ادبیات توسعه به پدیده «شومی منابع» معروف است، زیرا منابع طبیعی به‌عنوان ثروت کشور محسوب شده و صادرات آن نیز قدرت خرید واردات را افزایش می‌دهد، درحالی‌که انتظار می‌رود وفور منابع طبیعی، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را تقویت کند. با توجه به اینکه دولت ایران وابستگی زیادی به درآمدهای نفتی دارد و به‌نوعی اقتصاد ایران یک اقتصاد تک‌محصولی است، اعمال تحریم‌های اقتصادی، نفتی و بانکی نه تنها میزان تولید و صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی ایران را کاهش داده است، بلکه دسترسی ایران به درآمدهای حاصل از فروش نفت را نیز با مشکلات فراوان مواجه کرده است؛ بنابراین ضروری-

ترین و مؤثرترین راه برای مقابله و کاهش پیامدهای تحریم‌های نفتی، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی در تأمین بودجه و هزینه‌های جاری کشور است. از این دیدگاه می‌توان تحریم‌ها را به‌عنوان فرصتی برای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی در نظر گرفت (مسعود نیا و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۱). برای کاهش وابستگی به نفت راهکارهای متعددی وجود دارد که یکی از آن‌ها حمایت از تولید ملی است. حرکت به سمت اقتصاد بدون نفت منوط به این است که خواسته‌ها و نیازهای داخلی را از محل تولید داخلی تأمین کنیم نه از محل فروش نفت و فرآورده‌های نفتی که تنها به افزایش واردات منجر می‌شود. اینکه درآمدهای حاصل از فروش نفت برای اداره امور جاری کشور هزینه شود و یا به‌صورت نقدی در اختیار مردم قرار گیرد، نه‌تنها باعث افزایش نقدینگی در بازار و بالا رفتن میزان تورم شده، بلکه باعث کاهش میزان تولید نیز خواهد شد. در نتیجه شاهد یک رکود تورمی در درون اقتصادی که با تحریم‌های گسترده روبه‌رو است خواهیم بود؛ بنابراین برای مقابله با اثرات تحریم و ترمیم بافت‌های آسیب‌دیده بنده اقتصاد کشور ناگزیر باید درآمدهای عظیم نفتی را در زیرساخت‌های اساسی اقتصادی و در امر تولید و دیگر زمینه‌های مولد و پول‌ساز سرمایه‌گذاری کنیم که این درآمدها یک بازخورد مثبت برای اقتصاد کشور از خود نشان دهند. باید توجه داشت که هرچه سهم کشور در تجارت بین‌الملل بالاتر باشد، احتمال دست زدن به تحریم علیه آن‌ها کمتر است و هرچقدر سهم تجارت بین‌الملل در تولید ناخالص کشور بیشتر باشد، درجه آسیب‌پذیری کشور از تحریم بیشتر خواهد شد (میرعمادی، ۱۳۹۰: ۸۵). لذا کشور می‌تواند با افزایش تولید ملی و تکیه بر محصولات بومی و داخلی، تحریم‌های اقتصادی را خنثی کند.

– مقابله با بیکاری و تورم در شرایط نابسامان اقتصادی

تورم و بیکاری نشانگرهای خوبی برای اندازه‌گیری مقاومت اقتصادی هستند و در همان حال می‌توانند به شکل بالقوه‌ای حاوی اطلاعات ضمنی پیرامون متغیر کسری بودجه نیز باشند. این بدان علت است که تورم و بیکاری علاوه بر سیاست‌های مالی، شدیداً تحت تأثیر سیاست‌های پولی و سمت عرضه دولت هستند. روشن است که این دو شاخص کاملاً با اقتصاد مقاومتی در ارتباط تنگاتنگ هستند، زیرا اگر کشوری با سطح بالای بیکاری و تورم مواجه باشد، کوچک‌ترین شوک بیرونی می‌تواند هزینه‌های سنگینی را بر آن اقتصاد تحمیل نماید. در عوض یک اقتصاد متعادل با نرخ تورم و بیکاری قابل‌قبول در مواجهه با تحولات ناخوشایند بیرونی، بدون تحمل هزینه‌های رفاهی بالا می‌تواند ایستادگی نماید. با این وصف می‌توان گفت این دو متغیر از بعد

«قابلیت هضم شوک‌ها»، در زیرمجموعه شاخص مقاومت اقتصادی قرار می‌گیرند (ملکی، ۱۳۹۳: ۱۶). ایجاد فرصت شغلی یکی از مسائل مهم کشور و بزرگ‌ترین مصداق اقتصاد مقاومتی است. اشتغال از این جهت حائز اهمیت است که با داشتن تأثیرگذاری از حیث مقبولیت و مشروعیت حکومت نزد شهروندان و از جهت انعکاس در رفتارهای بهنجار و نابهنجار اجتماعی (در ارتباط با حفظ نظام سیاسی) با موضوعات امنیت ملی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، سطح مناسبی از اشتغال احتمالاً بازتابی از فضای رشد و توسعه اقتصادی در سطح کشور است که رضایت‌مندی شهروندان را به‌مثابه نتیجه منطقی در بردارد (پورا احمدی و ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱۷۷).

در این راستا باید تمام توان‌ها را بسیج کرد تا مسابقه بزرگ اقتصادی در کشور سامان بگیرد. این تکلیف باید برای سیاسیون و فعالان حوزه فرهنگ روشن شود که دستور کار کشور مباحث اقتصادی است، البته سایر موضوعات نباید بر مسائل اقتصادی سایه بی‌اندازد. در اقتصاد مقاومتی مفهوم شرکت در یک مسابقه و مبارزه نهفته است؛ اما مبارزه در میدان اقتصادی است که در آن کشتار و خونریزی مفهومی ندارد و صحنه مسابقه جهانی گسترده شده است که در آن باید نه تنها به امکانات و مسائل خود نظر افکنیم، بلکه باید به امکانات و سرعت حرکت سایر کشورها نیز توجه داشته باشیم. اگر در مسابقه اقتصادی بازنده شویم مثل مبارزه نظامی ممکن است تلفات را در میدان نبرد مشاهده نکنیم، اما هزاران فرصت بین‌المللی در سطح تولید و اشتغال کشور از دست خواهیم داد که حاصل آن بیکاری‌های گسترده و فساد اجتماعی ناشی از آن است؛ بنابراین تلفات در این میدان پنهانی است (خلیلی، ۱۳۹۱: ۳۶). برای جلوگیری از تهدیدات اقتصادی در داخل سیاست‌های عدالت‌خواهانه حتی به‌صورت دخالت‌های نسنجیده و مخل تولید به اجرا درمی‌آید تا تهدیدات امنیت ملی مهار شده یا فرصت‌های امنیتی کشور بهبود یابد؛ بنابراین دغدغه امنیت ملی از محرک‌های اصلی در شکل‌گیری و هدایت سیاست‌های عدالت اقتصادی است. نابرابری یا بی‌عدالتی اقتصادی می‌تواند مخصوصاً هنگامی که این مسئله با احساس تبعیض و تحقیر و ظلم در میان گروهی از شهروندان همراه باشد برای امنیت ملی تهدید مهمی تلقی شود، زیرا بی‌عدالتی و به‌انحاء مختلف می‌تواند ثبات نظام سیاسی را مورد تهدید قرار دهد. آنچه امروزه به‌عنوان محرومیت نسبی از آن یاد می‌شود حاکی از وجود شکاف عمیق بین انتظارات و واقعیات است. در صورتی که انسان‌ها از وضع خود حتی در شرایط فقر مطلق راضی باشند این احساس ایجاد نمی‌شود، اما مقایسه با داشته‌های اشخاص یا گروه‌های

دیگری که در سطح بهتری به سر می‌برند محرک تکوین این احساس است. فرد یا گروهی که احساس محرومیت نسبی می‌کنند بر این باورند که انتظاراتشان برای بهبود وضع زندگی یا برخورداری از ارزش‌ها و امکانات بیشتر مشروع است. به دنبال آن ممکن است این نتیجه‌گیری حاصل شود که باید برای رسیدن به انتظارات دست به اقداماتی ولو خشونت‌آمیز زد. پتانسیل خشونت جمعی در صورتی تقویت می‌شود که نوعی تشکل همبسته میان افراد و گروه‌های دارای احساس محرومیت نسبی ایجاد شود. چون دولت به‌مثابه مرجع عالی اقتدار و مدیر ارشد اقتصاد شناخته می‌شود، احساس محرومیت و یأس باعث می‌شود اصلاح یا تغییر نظام سیاسی موردتوجه قرار گیرد. برداشت افراد و گروه‌های ناکام این است که در حقشان ظلم شده است و تنها مرجعی که می‌تواند حقوق از دست‌رفته خود را اعاده کرده و عدالت را برقرار کند دولت است. بدین ترتیب نظام سیاسی در برابر فشارهای بحران‌ساز قرار می‌گیرد (قنبرلو، ۱۳۹۲):

(۹۹-۱۰۱). نابرابری اقتصادی و بی‌عدالتی علاوه بر ثبات نظام سیاسی، از طریق تهدید یکپارچگی ملی و سرزمینی، امنیت ملی را در معرض چالش قرار می‌دهد. با توجه به این نکته که متغیر انسجام ملی و تمامیت سرزمینی قویاً تحت تأثیر نحوه توزیع ارزش‌ها از جمله ارزش‌های اقتصادی قرار دارد، این نتیجه حاصل می‌شود که بی‌عدالتی اقتصادی می‌تواند تمامیت ملی و سرزمینی را در معرض تهدید قرار دهد. احساس محرومیت نسبی بخصوص زمانی مشکل‌ساز می‌شود که با نوعی احساس تبعیض از سوی حکومت به خاطر ملاحظات قومی، مذهبی و فرهنگی همراه شود (قنبرلو، ۱۳۹۲: ۱۰۵). برخی از اندیشمندان مسائل قومی نیز اخیراً به این نتیجه رسیده‌اند که بین برخورداری اقتصادی و خیزش قومی ارتباط لاینفکی وجود دارد؛ یعنی مهم‌ترین انگیزه شورش‌های قومی در درجه اول از محرومیت اقتصادی آنان نشأت می‌گیرد و مطالبات فرهنگی و هویتی در مرتبه بعدی قرار دارد. به این خاطر است که دولت‌ها برای تنبیه نیروهای سرکش، اغلب بر ملاحظات اقتصادی تأکید می‌کنند (عسگری، ۱۳۸۳: ۳۵).

در صورت مبارزه با فقر، بیکاری و تورم، رونق و توانمندی اقتصادی شکل می‌گیرد. توانمندی اقتصادی نیز در تقلیل تهدیدات خارجی و ترمیم آسیب‌پذیری‌های داخلی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. در واقع اگر قرار است جلو منازعات خشونت‌بار گرفته شود، نیازمند رهیافت گسترده منصفانه و جامع در مورد توسعه هستیم. در جهان امروز توسعه و امنیت به هم پیوند خورده‌اند و توسعه، فناوری رسیدن به امنیت و دفاع ملی است. در نتیجه ناامنی انسانی ناشی از ساختارهای اقتصادی سیاسی، به‌منزله شکست دولت و بازار در تأمین امنیت انسانی است

(توماس، ۱۳۸۲: ۲۲). وضع مطلوب اقتصادی می‌تواند به انسجام ملی، مشروعیت سیاسی و افزایش ظرفیت کسب حمایت‌های مردمی جهت دنبال کردن سایر اهداف ملی کمک کند. همچنین با توجه به ارتباط تنگاتنگی که میان توسعه و رونق اقتصادی و موفقیت سیاسی خارجی وجود دارد، اقتصاد قوی می‌تواند امنیت نظامی را نیز تأمین کند (موسوی زنوز، ۱۳۹۳: ۱۲۴). همچنین امنیت انسانی و رهایی انسان نیز مقوله مهمی است که باید مورد توجه قرار بگیرد. اقتصاد، غذا، بهداشت، محیط، فرد، جامعه و سیاست در این مقوله مهم هستند. این مسئله فراتر از تعریف مضیق توسعه اقتصادی است. بر اساس این تعریف ابتدا باید نهادها و رفتار سیاسی و اقتصادی بر اساس تأمین نیاز انسان باشد. دوم اینکه تأمین نیازهای انسانی نیازمند مشارکت آگاهانه در فرایندهای اقتصاد سیاسی است. رفع فقر و محرومیت و داشتن سطح مناسبی از زندگی و تضمین حقوق اولیه به‌عنوان امنیت انسانی نقش مهمی در تأمین امنیت ملی دارد. فقر و شکاف بین فقیر و غنی تهدید عمده‌ای است که امنیت را در سطوح ملی و بین‌المللی با خطر مواجه می‌سازد. در واقع فقر و نابرابری ویژگی بارز چشم‌انداز اجتماعی معاصر در سطوح ملی و جهانی است (شکوه، ۱۳۹۱: ۱۰۶).

همچنین باید توجه نمود که یکی از ابزارهای قدرت چانه‌زنی یک ملت قدرت اقتصادی و امروزه مطالبات و نیازهای مشترک مردم در اقصای مختلف، اقتصادی است، بسیاری از موضوعها مانند افزایش طلاق، بزهکاری، افزایش زندانیان، اعتیاد و حتی خیلی از کشمکش‌های سیاسی برای صندلی قدرت اقتصادی است. عقب‌ماندگی تفاوتی با انهدام زیرساخت‌های اقتصادی ندارد و تفاوت جنگ و اقتصاد در این است که جنگ قابل تبیین و قابل لمس است ولی اقتصاد به‌راحتی قابل لمس نیست. مهم‌ترین اولویت اقتصاد ایران، اقتصاد مردمی و درون‌زاست و تنها با پیگیری این روند امکان خروج از چرخه فقر و محرومیت، انباشت مطالبات بدون پاسخ، رفع فساد و اختلالات در امنیت اقتصادی امکان‌پذیر است. امروز و با وجود راهبرد اقتصاد مقاومتی امکان بسیج مجموعه ظرفیت‌های کشور در عرصه نبرد اقتصادی فراهم شده است. حفظ روحیه انقلابی و جهادی با حفظ تمرکز بر توان داخلی در ۲۴ بند اقتصاد مقاومتی می‌تواند ایران آینده را مستقل‌تر از امروز و تبدیل به الگویی موفق در سطح منطقه و بین‌الملل کند (پرتال زاهدان و بانک اطلاعات شهری زاهدان، ۱ بهمن ۱۳۹۰). جمهوری اسلامی ایران از این قابلیت برخوردار است که با عملیاتی کردن راهبردهای اقتصاد مقاومتی نظیر مبارزه با فقر و بیکاری و تورم، طراحی و تدوین دیپلماسی انرژی فعال و کارآمد در سیاست خارجی، کاهش وابستگی به نفت،

استفاده از مزیت‌های ترانزیتی و انتقال انرژی از خاک ایران، بهره‌گیری از ظرفیت‌های ناشی از کاهش ارزش پول ملی در شرایط تحریم، نه تنها اثرات تحریم را خنثی کند، بلکه از شرایط تحریم به‌عنوان فرصتی در راستای ارتقای امنیت و تأمین منافع ملی خود استفاده کند.

نتیجه‌گیری

می‌توان با در نظر گرفتن ابعاد داخلی و خارجی اقتصاد مقاومتی به نقش آن در استوار نمودن مبانی اقتصاد ایران پی برد. پر واضح است که با کاربست و اعمال دقیق و صحیح اقتصاد مقاومتی می‌توان نارسایی‌های اقتصادی در داخل را ترمیم نموده و با مشارکت فعالانه در اقتصاد منطقه‌ای و جهانی به نیازهای داخلی پاسخ داد. بنابراین اقتصاد مقاومتی به معنای منزوی شدن از اقتصاد جهانی نیست. در واقع هدف گردش سرمایه در داخل کشور و رونق کسب و کار و تولید است که زمینه اشتغال مناسبی را برای جمعیت بیکار فراهم کرده و به جای برنامه ریزی برای واردات، امکانات داخلی در جهت صادرات به کار گرفته خواهد شد. با تکیه بر اقتصاد مقاومتی اقتصاد کشور از وابستگی به نفت رهایی یافته و صادرات غیر نفتی به مرور جای نفت را در بازارهای جهانی خواهد گرفت. برای محقق شدن اقتصاد مقاومتی باید موانع موجود بر سر راه تولید و تجارت رفع شود و نباید تولیدکنندگان در بوروکراسی پیچیده اداری گرفتار شوند. همچنین اقتصاد برای رشد و شکوفایی باید دانش بنیان شود. اقتصاد مقاومتی اقتصادی مبتنی بر دانش و ابزارها و استعدادهای ملی و درونمایه خودباوری است. شرکت‌های دانش بنیان باید در کشور به اندازه‌ای توانمند باشند که هر لحظه اراده کردیم که چاه‌های نفت را ببندیم هیچ مشکل اقتصادی برای کشور ایجاد نشود. با تشکیل شرکت‌های دانش بنیان فرایند خام فروشی می‌تواند به فرآورده‌هایی با ارزش افزوده بالا تبدیل شود که این فرآورده‌ها علاوه بر تأمین نیازهای داخلی کشور، قابلیت صادرات داشته باشند و بتوانند بازارهای منطقه‌ای را به دست آورد. الزام دولت به حمایت‌های مالی، ایجاد تسهیلات کسب و کار، فراهم آوردن بازار داخلی و منطقه‌ای و تدارک تسهیلات غیر پولی اعم از بیمه و مالیات در حمایت از شرکت‌های دانش بنیان نیز مطرح است. حمایت از تولید و اتکا به تولید داخلی در تنظیم بازار به منظور برطرف شدن نیاز بازار داخلی و افزایش صادرات غیرنفتی مسئله‌ای مهم تلقی می‌شود که اقتصاد مقاومتی به دنبال آن است. همه مباحثی که مطرح شد وقتی حاصل می‌شود که اقتصاد مقاومتی به درستی و دقت اجرا شود. برای دستیابی مقتدرانه به اقتصاد

مقاومتی فرهنگ سازی ویژگی های نیروی جهادی در فرهنگ عمومی، آگاه سازی و گفتمان سازی پیرامون اولویت های اقتصادی توسط نهادهای فرهنگی- رسانه ای، شفافیت و عدالت در اطلاع رسانی شرایط و فرصت ها، فرهنگ سازی مصرف، استحکام معنویت و روح ایمان و تدین جامعه بسیار مورد تأکید است. از طرفی دیگر، مبارزه با مفاسد اقتصادی مساوی است با اعتمادسازی برای فعالیت اقتصادی، همچنین قانونگذاری حمایتی، فرهنگ سازی در حوزه تولید ملی و مصرف داخلی، ایجاد حس امنیت برای دولت، سرمایه گذار و کارگر نیز باید مورد توجه قرار گیرد. باید اضافه نمود که زیرساختهای اجتماعی و نهادها (شیوه تفکر اجتماعی، ارزش ها، نهاد، عرف و فرهنگ) بر رشد اقتصادی تأثیر بسزایی دارد که در چارچوب خانواده، آموزش، اقتصاد، حکومت و دین متبلور است. در مراحل بعد باید هر چه بیشتر به نیروی کار و سرمایه بومی متکی بود. ذکر مباحث فوق ما را به این نتیجه می رساند که برای نیل مقتدرانه به دستاوردهای اقتصاد مقاومتی، توجه به تمام ابعاد اقتصاد مقاومتی لازم است. در این صورت امنیت اقتصادی شکل می گیرد. این مسئله می تواند باعث ایجاد رضایت و مشروعیت مردمی و کسب حمایت ملت از دولت شود. همچنین می تواند منابع لازم برای تبلیغ ایدئولوژی اسلامی را در راستای اهداف انقلاب فراهم آورد. از مهمترین دستاوردهای اقتصاد مقاومتی می تواند تأمین منابع لازم برای دفاع ملی باشد. نتیجه کلی این است که اگر مبانی و اصول اقتصاد مقاومتی به دست فراموشی سپرده و عملیاتی نشود، کیان نظام اسلامی زیر فشار تحریم های تحمیلی به شدت در معرض آسیب قرار می گیرد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۶). «تأملی بر میانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، شماره ۸۲، صص ۴۵۸-۴۳۹.
- اخباری، محمد، قلی‌زاده، صدیقه (۱۳۹۴). «ثبات اقتصاد کلان در رویکرد اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه روند، سال بیست و دوم، پاییز، صص ۷۸-۵۵.
- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۸). بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان در تاریخ ۱۳۷۸/۰۶/۱۰.
- بانک اطلاعات شهری زاهدان (۱۳۹۰). «عوامل تأثیرگذار بر امنیت ملی ایران»، در پرتال زاهدان و بانک اطلاعات شهری زاهدان، قابل دسترسی در: <http://www.zahedan-tebyan.ir>
- برومند، شهزاد و دیگران (۱۳۸۷). امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب (مطالعه تطبیقی)، تهران: بخش مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- بوزان، باری (۱۳۸۷). مردم، دولت‌ها، هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پوراحمدی، حسین، ذوالفقاری، مهدی (۱۳۸۸)، «دیپلماسی انرژی: منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، دانش سیاسی، شماره ۲، صص ۱۸۴-۱۵۲.
- پوریان، عزت‌الله (۳۸۹۰). «مطبوعات، جرائم اجتماعی و احساس امنیت و آگاهی»، فصلنامه مطالعات اجتماعی، شماره ۲۲، صص ۸۵-۶۲.
- توماس، کارولین (۱۳۸۲). حکومت جهانی، توسعه و امنیت انسانی، ترجمه مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جهان بزرگی، احمد (۱۳۸۸). «نقش امنیت اقتصادی در حفظ انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره شانزدهم.
- جهانیان، ناصر (۱۳۹۲). «مبانی اخلاقی امنیت اقتصادی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، زمستان، شماره ۵۲.
- حسینی، مهدی و نصر، الماس (۱۳۹۳). «اقتصاد سیاسی و اقتصاد مقاومتی؛ مقایسه تحریم‌های اقتصادی در دو دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۹۰»، فصلنامه سیاست اسلامی، دوره دوم، پاییز و زمستان، شماره ۶.

حیدری، منصور و قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۵). «پژوهشی در معنا و مفهوم اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست دفاعی**، دوره بیست و پنجم، زمستان، شماره ۹۷.

خسروی، رضا و لکزایی، نجف (۱۳۹۵). «امنیت اقتصادی از دیدگاه امام علی با تأکید بر عهدنامه مالک اشتر»، **پژوهشنامه نهج البلاغه**، دوره چهاردهم، پاییز، شماره ۵۰.

خلیلی، حسام‌الدین (۱۳۹۱). «مقاومت اقتصادی در پرتو اقتصاد مقاومتی»، **نشریه کارآگاه**، شماره ۲۰، پاییز، صص ۴۳-۲۴.

دانش جعفری، داود و کریمی، سمانه (۱۳۹۳). «نفت، برنامه ششم توسعه و اقتصاد مقاومتی»، **فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان**، دوره دوم، زمستان، شماره ۸.

دوست محمدیان، حمید (۱۳۸۸). «سایه تحریم‌ها، آفتاب فرصت‌ها»، **اقتصاد سیاسی ایران**، تیر، صص ۳۲-۳۱.

رحیمی نسب، مهدی (۱۳۹۵). «کاهش وابستگی بودجه به نفت؛ از حرف تا عمل»، **پدافند اقتصادی**، شهریور، شماره ۲۲.

رشیدی، مصطفی؛ ردادی، علی و مقدم فر، سعیدرضا (۱۳۹۴). «طراحی الگوی سنجش امنیت اقتصادی کشور»، **فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج**، پاییز، شماره ۶۸.

زارع زاده، رسول (۱۳۹۲). «الگوی تحلیل امنیت داخلی: تبیین مؤلف‌های اثرگذار بر امنیت داخلی در سطح کلان»، **فصلنامه آفاق امنیت**، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۳۸-۷.

سمیعی نسب، مصطفی (۱۳۹۳). «دیپلماسی اقتصادی، راهبرد مقابله با تحریم‌های اقتصادی در منظومه اقتصاد مقاومتی»، **فصلنامه آفاق امنیت**، سال هفتم، شماره ۲۵، زمستان، صص ۱۴۵-۱۱۵.

سیف، الله‌مراد (۱۳۸۹). «مفهوم‌شناسی امنیت اقتصادی»، **فصلنامه آفاق امنیت**، زمستان، شماره ۹.

شکوه، حسن (۱۳۹۱). «اقتصاد و دفاع ملی: چارچوبی برای مطالعه»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال پانزدهم، شماره ۳، پاییز، صص ۱۲۰-۹۴.

عربی، حسین (۱۳۹۲). «اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری»، **فصلنامه سیاست کلان**، سال دوم، شماره ۲، بهار، صص ۲۶-۹.

- عسگری، محمود (۱۳۸۳). «درآمدی بر اقتصاد سیاسی امنیت ملی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال هفتم، شماره اول، بهار، صص ۳۱-۵۰.
- فدایی، مهدی و درخشان، مرتضی (۱۳۹۳). «تحلیل اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی در ایران»، **فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی**، سال پنجم، شماره ۱۸، بهار، صص ۱۳۴-۱۱۴.
- فرزندی اردکانی، عباسعلی؛ یوسفی، میثم و عنان پور خیرآبادی، مجید (۱۳۹۴). «اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران: چالش‌ها و راهبردها»، **فصلنامه پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی**، دوره اول، شماره ۱، بهار، صص ۸۷-۶۳.
- فلاح، فرزانه (۱۳۹۲). **مبانی امنیت اقتصادی از منظر قرآن کریم و نهج‌البلاغه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم.
- قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۵). «رویکرد انتقادی درباره برداشت‌های رایج از اقتصاد مقاومتی در متون اقتصادی در ایران»، **پژوهشنامه انتقادی**، دوره شانزدهم، بهمن و اسفند، ویژه‌نامه اقتصاد مقاومتی.
- قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۶). «نقدی بر اقتباس از نظریات غربی؛ تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی با الگوی بومی»، **روزنامه تعادل**، سال چهارم، اسفند، شماره ۱۰۶۴.
- قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۶). «هندسه عزت، حکمت و مصلحت در اقتصاد مقاومتی»، **ماهنامه پدافند اقتصادی**، پائیز، شماره ۲۵.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۲). «عدالت اقتصادی و امنیت ملی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۶۱، پاییز، صص ۹۰-۱۱۴.
- گرچی، ابراهیم و هاشمیان، مسعود (۱۳۸۶). «تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های امنیت اقتصادی»، **فصلنامه مطالعات دفاع استراتژیک**، سال هشتم، شماره بیست و هفتم.
- لامعی، بهزاد و استاد حسین، رضا (۱۳۸۰). «بررسی قابلیت‌های بخش صنایع معدنی در تحقق اهداف اقتصاد بدون نفت»، **فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی**، شماره ۲۰، صص ۲۵-۵۶.
- محمدی، تیمور و دیگران (۱۳۹۶). «تبیین مفهوم، ابعاد و مولفه‌های تاب‌آوری اقتصادی (رویکردی بومی)»، **فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج**، تابستان، شماره ۷۵.

مکیان، سید نظام الدین و زنگی آبادی، پروانه (۱۳۹۵). «تحریم ها و الزامات اقتصاد مقاومتی»، مجموعه مقالات اولین همایش اقتصاد مقاومتی، بررسی برنامه ها و متون، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.

ملکی، لیلی (۱۳۹۳). مبانی اقتصاد مقاومتی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

موسوی زنوز، موسی (۱۳۹۳). «رابطه امنیت ملی و تجارت بین الملل، مطالعه موردی، امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تجارت بین الملل»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره پنجم، شماره ۱۴، بهار، صص ۱۴۲-۱۰۹.

میرعمادی، طاهره (۱۳۹۰). «چارچوبی برای ارزیابی راهبردهای مقابله با تحریم از منظر نظام ملی نوآوری»، فصلنامه سیاست علم و فناوری، سال سوم، شماره ۴، صص ۹۸-۷۶.

میرمعزی، سید حسین (۱۳۹۱). «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن، با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۷، پاییز، صص ۷۸-۵۰.

نظرپور، محمدنقی؛ عبادی، روح اله و بنی جمالی، فاطمه (۱۳۹۶). «آثار اجرای سیاست های ابلاغی اقتصاد مقاومتی بر بازار سرمایه به روش AHP»، نشریه تحقیقات مالی اسلامی، پاییز و زمستان، شماره ۱۳.

نمامیان، فرشید و علی میر (۱۳۹۶). «ترسیم مدل بومی سرمایه اجتماعی برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی با روش کیفی نظریه داده بنیاد»، مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۴، بهار، شماره ۱.

ب) منابع انگلیسی

Booth, K (1991). Security and emancipation. Review of International studies, 17(04), 313-326.

Jentleson, Bruse W (2007). Sanctions against Iran: Key Issues. Century Foundation.

Mohammad nia, Mahdi (2010). Understanding Iran's foreign policy: An application of holistic constructivism. Alternatives: Turkish Journal of International Relations, 9(1).